

خدا در عرفان های کاذب

لیلا صمدی^۱

چکیده

عرفان های کاذب برخلاف عرفان حقیقی و دینی، دارای ویژگی های مشترکی نظیر انسان محوری، انکار یا تحریف ذات خداوند، نفی قیامت و شریعت آسمانی، گرایش به دنیاگرایی و عقل گریزی می باشند. این عرفان ها به جای تقویت محبت و شناخت صحیح خداوند، تصویری نسبی، مبهم و گاه شرک آلود از خدا ارائه می دهند که در تضاد آشکار با توحید، عدالت و حکمت الهی در اسلام است. این پژوهش بر ضرورت آشنایی دقیق با ماهیت و ویژگی های عرفان های کاذب برای مقابله مؤثر با انحرافات معنوی تأکید می ورزد و هدف آن، تحلیل و نقد دیدگاه های عرفان های کاذب همچون اوشو، عرفان حلقه و عرفان پائولو کوئیلو در مورد خدا است. روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر اسناد کتابخانه ای و بررسی متون و آموزه های مرتبط با هر یک از این جریان ها و مقایسه آنها با مبانی توحیدی اسلام و آموزه های قرآنی است.

کلیدواژه: خدا، عرفان کاذب، اوشو، پائولو کوئیلو، عرفان حلقه.

^۱. طلبه سطح دو حوزه علمیه الغدیر.

مقدمه

عرفان به عنوان یکی از ابعاد مهم معنوی و فلسفی در زندگی انسان، همواره مورد توجه اندیشمندان دینی و عرفانی بوده است. عرفان حقیقی، که ریشه در تعالیم ادیان الهی به ویژه اسلام دارد، زمینه ساز تقرب به خداوند، معرفت عمیق و تحقق آرامش معنوی است. با این حال، ظهور و گسترش عرفان‌های نوظهور و کاذب در دهه‌های اخیر، که برخی از آنان مانند عرفان اوشو، عرفان حلقه و عرفان پائولو کوئیلو شناخته شده‌اند، موجب بروز ابهامات، انحرافات و حتی آسیب‌های معنوی در جوامع دینی شده است. این عرفان‌ها، با ارائه دیدگاه‌هایی ناقص و متضاد با آموزه‌های توحیدی و وحیانی در مورد خدا، مسیری انسان‌محور و مادی گرا را به جای مسیر خدامحوری و حقیقت‌طلبی آگاهانه نشان می‌دهند که می‌تواند افراد را از شناخت صحیح خداوند و هدف خلقت بازدارد.

اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع خدا در عرفان‌های کاذب از آن جهت است که شناخت دقیق ماهیت این جریان‌ها و نقد آموزه‌های آن‌ها می‌تواند راهگشای مقابله فرهنگی و معنوی با انحرافات و ارائه تصویری درست از خداوند در برابر مخاطبان باشد.

در مورد پیشینه این موضوع باید گفت در دو دهه اخیر به جهت افزایش گرایش افراد جامعه بخصوص جوانان به عرفان‌های کاذب و نوظهور، اندیشمندان، نویسندگان و محققان بسیاری به این موضوع پرداخته و افکار و اندیشه‌های فرق نوظهور و رهبران و پیروان آنها را تبیین و بررسی و نقد نموده‌اند که پایان نامه «آسیب شناسی عرفان‌های نوظهور و راهکارهای مقابله با آن با تکیه بر اندیشه‌های آیت الله جوادی آملی»، نوشته مریم عباسی سیجانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۸ از جمله آنهاست که در این پایان نامه به آسیب‌های عرفان‌های نوظهور و کاذب با محوریت دیدگاه آیت الله جوادی آملی پرداخته است. از دیگر آثار پژوهش در این موضوع، مقاله «بررسی انتقادی عناصر مشترک عرفان‌های نوظهور»، نوشته محمد حیدری فرد، بلاغ مبین، شماره ۳۶ و ۳۷، ۱۳۹۲ است که ویژگی‌های مشترک عرفان‌های کاذب را برشمرده است که یکی از این ویژگی‌ها، انکار خدا یا افکار انحرافی و ناقص درباره خداست. در مقاله «مولفه‌های معنویت نوپدید در ایران»، نوشته محمدحسین کیانی، کتاب نقد، سال یازدهم، شماره ۵۱ و ۵۲، ۱۳۸۸ نیز به این مساله پرداخته و مهم‌ترین مولفه‌ها و ویژگی‌های عرفان‌های کاذب و نوپدید را برشمرده است که یکی از مهم‌ترین آنها، خداشناسی ناقص یا انحرافی یا انکار خدا در آنهاست.

با توجه به آثاری که بیان گردید، این مقاله به تبیین ویژگی‌های مشترک عرفان‌های کاذب پرداخته و به‌طور خاص آموزه‌های سه جریان اوشو، عرفان حلقه و عرفان پائولو کوئیلو را مورد نقد و بررسی قرار داده است. نوآوری این مقاله در پرداختن همزمان به چند نمونه برجسته عرفان نوظهور و مقایسه آموزه‌های آنان با مبانی اسلام و قرآن کریم است که می‌تواند زمینه‌ساز درک بهتر و آگاهانه‌تر مخاطبان در مواجهه با این نوع عرفان‌ها باشد.

۱- مفهوم شناسی

اولین مباحثی که باید در تحقیق صورت گیرد آن است که مفاهیم اصلی تحقیق به صورت لغوی و اصطلاحی مفهوم شناسی شوند تا در ادامه تحقیق، زمینه برای طرح مباحث اصلی فراهم شود. بنابراین ابتدا به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی عرفان و عرفان کاذب پرداخته می‌شود.

۱-۱- عرفان

عرفان از ریشه «عَرَفَ» به معنای شناختن، معرفت و دانستن است^۱ و در اصلاح به معنای درک و دریافت چیزی از روی اثر با اندیشه و تدبیر است که اخص از علم بوده و نقطه مقابل انکار می‌باشد.^۲ عرفان نوعی شناخت و معرفت مستقیم است که برتر از شناخت حسی و عقلی می‌باشد و گفته شده که این معرفت در اثر انجام اعمالی که سیروسلوک نامیده می‌شود نصیب انسان می‌شود. درحقیقت عرفان شناخت ویژه‌ای است که از راه شهود درونی و باطنی نسبت به خداوند متعال، اسماء و صفات و افعال او حاصل می‌شود.^۳

عرفان و شناسایی حق به دو طریق میسر است: یکی به طریق استدلال در اثر به موثر و از فصل به صفات و از صفات به ذات که این عرفان مخصوص علماست. دوم از طریق تصفیه باطن و تخلیه سر از غیر و تحلیه روح که همان راه معرفت خاصه انبیاء، اولیاء و عرفا است و این معرفت کشفی و شهودی را غیر از مجذوب مطلق برای هیچ کس میسر نیست مگر به خاطر طاعت و عبادت قلبی، نفسی و روحی.^۴

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۶؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۱۲، ص ۳۷۴؛ فیروزآبادی، قاموس المحيط، ج ۳، ص ۲۳۳.

۲. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۵۶۰.

۳. جوادی آملی، عمل عرفانی در پرتو علم و حیانی، ص ۲۵؛ شریفی، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، ص ۲۳.

۴. سعیدی، فرهنگ جامعه اصطلاحات عرفانی ابن عربی، ص ۶۴۱.

۱-۲- عرفان کاذب

در یک تقسیم بندی از انواع عرفان می توان آن را به عرفان حقیقی و عرفان کاذب یا سکولار تقسیم نمود^۱ که عرفان حقیقی به معنای عرفان برآمده از ادیان الهی است که از یک سو هدف نهایی خود را قرب الهی می داند و از سوی دیگر ابزار وصول به قرب الهی را نیز برگرفته از دین برمی شمارد که این ابزار مخالفتی با آموزه های دینی نخواهد داشت.^۲ عرفان کاذب یا سکولار درمقابل عرفان حقیقی قرار می گیرد و هر نوع عرفانی است که به آموزه های دینی بی اعتنا باشد و غایت خود را در جایی غیر از خدا جستجو نماید و انسان را فقط محدود به زندگی دنیوی نموده و از ابزاری غیر از شریعت و دین بهره جوید.^۳

۲- عرفان های کاذب فعال در ایران

واقعیت امر آن است که عرفان های کاذب در جامعه امروز ایران نسبت به گذشته فعالیت بیشتری داشته و افکار آنها در میان اقشار مختلف مردم رسوخ نموده و تبعات فرهنگی و دینی نامطلوبی از خود بر جای نهاده است. عرفان های کاذب فعال در ایران امروز، از دوازده یا سیزده عدد تجاوز نمی کند که عبارتند از اوشو، پائولو کوئیلو، تکهارت توله، شیطان پرستی، عرفان حلقه، وین دایر، یوگا، سای بابا، رام الله، کریشنا، اکنکار و...^۴

در ایران گرایش به این فرقه ها به دلیل منشأ شناختی بسیار کم دیده شده است اما قطعاً با توجه به فعالیت های عرفان های کاذب، گسترده تر خواهد شد و شاید شیوع این فرقه ها در ایران به این دلیل باشد که مطالبات جوانان افزایش پیدا کرده و ارتباط آنها با جهان غرب باعث شده که انتظاراتشان از محیط جامعه بالاتر رفته و با پاسخ های لازم هم مواجه نگردند.^۵ همچنین به نظر می رسد که عمده دلیل گرایش برخی از جوانان به این عرفان ها جنبه سرگرمی داشته باشد که بدون هیچ گونه شناختی از عقاید اصلی این فرقه های منحرف وارد آنها شده و گرفتار می شوند.^۶

۱. شریفی، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب، ص ۲۹.

۲. مصباح یزدی، در کوچه های آفتاب؛ جستاری در عرفان اسلامی، ص ۲۵.

۳. شریفی، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب، ص ۳۶-۳۸.

۴. ریاحی، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش به عرفان های نوظهور در بین جوانان، ص ۴۱.

۵. حیدری فرد، بررسی انتقادی عناصر مشترک عرفان های نوظهور، ص ۷۳.

۶. پسند، بررسی راهکارهای مقابله با گرایش به عرفان های نوظهور و گسترش آنها در ایران، ص ۸۲.

در این پژوهش به سه فرقه اوشو، پائولو کوئیلو و عرفان حلقه پرداخته است، زیرا به نظر می رسد این فرقه ها نسبت به دیگر عرفان های کاذب از طرفداران بیشتری برخوردار هستند و از سوی دیگر تبیین و بررسی افکار و عقاید این سه فرقه در مورد خدا، به نوعی روشن کننده اندیشه دیگر عرفان های کاذب درباره خداست که در این ویژگی با آنها مشترک هستند.

۳- ویژگی های مشترک عرفان های کاذب

از مهم ترین و برجسته ترین ویژگی های مشترک میان عرفان های کاذب می توان به انسان محوری در برابر خدامحوری و انکار خدا یا عدم اعتقاد به خداوند یکتا یا اعتقاد ناقص و ناصحیح نسبت به خدا اشاره کرد. علاوه بر آن، عدم اعتقاد به قیامت و جهان دیگر و نداشتن شریعت و حیانی و آسمانی از دیگر ویژگی های عرفان های کاذب به شمار می رود.^۱

در مقابل اعتقاد به معاد، تناسخ گرایی از دیگر ویژگی های عرفان های کاذب است و لاابالی گری در برابر شریعت گرایی، دنیا پنداری در برابر عاقبت اندیشی، عشق جنسی در برابر عشق معنوی، آسایش مادی در برابر آرامش معنوی، تفکرگریزی در برابر عقل گرایی، خراپنداری در برابر واقع گرایی، تکثرپذیری در مقابل حقیقت طلبی، تعبد کورانه در برابر حقیقت طلبی آگاهانه، شادی ظاهری در برابر سرور باطنی و درونی از ویژگی های مشترک عرفان های کاذب و نوظهور به شمار می رود.^۲

تبیین و بررسی هریک از این ویژگی ها نیاز به تحلیل و نقد دقیق آنها دارد که در این مقاله به خاطر عدم گنجایش مناسب، به ذکر آنها بسنده می نماید تا با طرح این ویژگی ها به مساله اصلی پژوهش که همان خدا در عرفان های کاذب است، پردازد.

۴- خدا در عرفان های کاذب

چنانکه گفته شد یکی از اساسی ترین ویژگی های عرفان های کاذب و نوظهور، انکار خدا یا اعتقاد نادرست و ناقص نسبت به خدای متعال است. عرفان های مختلف مانند حلقه، پائولو کوئیلو، اوشو یا اکنکار هر کدام

^۱. پسندیده، بررسی راهکارهای مقابله با گرایش به عرفان های نوظهور و گسترش آنها در ایران، ص ۸۸

^۲. حیدری فرد، بررسی انتقادی عناصر مشترک عرفان های نوظهور، ص ۳۸؛ کیانی، مولفه های معنویت نوپدید در ایران، ص ۱۵۷-۱۰۹.

اگرچه طاهری ادعا نموده است که عدم به معنای نیستی نمی باشد و شاهدی را از اشعار مولانا در جهت اثبات مدعای خود آورده است:

سپاس آن عدمی را که هست ما بر بود ز عشق آن عدم آمد جهان جان به وجود
به هر کجا عدم اید وجود گم گردد زهی عدم که چو آمد از او وجود افزود

اما حقیقت آن است که منظور مولانا نیز در این شعر، نیستی است. به بیان دیگر، مولانا از استعمال عدم در این شعر، درک مقام فنا و گذر از خویشتن است.^۱

طاهری معتقد است که تنها واسطه میان انسان و خداوند، هوشمندی و شعور الهی (یدالله) می باشد که به صورت های گوناگون به ایفای نقش خود می پردازد. طاهری از واسطه میان انسان و خداوند با نام یدالله نام می برد.^۲

واژه یدالله چهار بار در قرآن ذکر گردیده است و مراد از آن، قدرت الهی است که این همان ذات الهی است و جدای از خداوند نمی باشد تا عنوان واسطه بر آن صحیح باشد. قرآن کریم می فرماید: «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^۳ دست خدا بالای دست آنهاست.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می گوید: «مراد از عبارت فوق در این آیه آن است که خداوند دست رسولش را مانند دست خود دانسته است و اطاعت از او و بیعت با ایشان را در ردیف اطاعت از خود و بیعت با خود برشمرده است.^۴

طاهری همچنین معتقد است که برای دستیابی به عرفان، انسان را از هر ابزار و هرگونه فنون و تکنیک بی نیاز می داند.^۵ درحالی که خدای متعال مومنان را به گرفتن وسیله (توسل) امر می نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۶ ای کسانی که ایمان آورده اید پرهیزگاری

۱. جمعی از استادان حوزه و دانشگاه، حلقه اسارت، ص ۲۱۹.

۲. طاهری، عرفان کیهانی، ص ۱۲۰.

۳. فتح: ۱۰.

۴. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۷۴.

۵. همان، ص ۴۷.

۶. مائده: ۳۵.

پیشه کنید و وسیله ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید. حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «أَنَا وَسَيَلَّتْهُ»^۱ من وسیله خداوند هستم. طاهری که ادعای عدم بهره مندی از ابزار و فنون را دارد درحقیقت خود نیز با اتصال به شبکه شعور کیهانی ابزاری را برای خود برگزیده است.

نتیجه گیری

عرفان‌های کاذب با فاصله گرفتن از آموزه‌های اصیل ادیان الهی، به جای خدامحوری به انسان‌محوری روی آورده و تصویری تحریف‌شده و ناقص از خداوند ارائه می‌دهند. بررسی دیدگاه‌های اوشو درباره خداوند نشان می‌دهد که وی با وجود بهره‌گیری از زبان عرفانی و استفاده از آموزه‌های متنوع شرقی، غربی و التقاطی، تصویری کاملاً غیرتوحیدی و تحریف‌شده از خدای متعال ارائه می‌دهد. خدای اوشو نه یک موجود متعال، آگاه و قادر، بلکه مفهومی مبهم، تهی، نسبی و جشن‌گونه است؛ نه معبود لایزال، بلکه استعاره‌ای برای لذت، شوخی و خوشی‌طلبی فردی. این تصویر، با هیچ‌یک از آموزه‌های توحیدی به‌ویژه در اسلام قابل تطبیق نیست. مبنای فکری اوشو بر نفی جدیت، عقلانیت و ساختارهای معرفتی استوار است و وی حتی به‌صراحت، تفکر درباره خداوند را بی‌فایده دانسته و خداشناسی را «هیاهو برای هیچ» می‌خواند. در حالی که در اسلام، شناخت خداوند، هدف غایی آفرینش و اساس عبودیت شمرده شده و عقل، وحی و تجربه همگی در خدمت این شناخت قرار می‌گیرند. در مجموع، تصویر ارائه‌شده از خدا در عرفان اوشو، نه تنها با آموزه‌های الهی، عقلانی و اخلاقی دین اسلام سازگار نیست، بلکه برآمده از نوعی انسان‌محوری، لذت‌گرایی و نسبی‌انگاری معنوی است که در بلندمدت می‌تواند مخاطب را از مسیر شناخت صحیح خداوند، حقیقت هستی و کمال انسانی منحرف سازد.

عرفان پائولو کوئیلو با محوریت جادو، نسبیت‌گرایی در اعتقاد به خدا، و تکیه بر نوعی معنویت بی‌قید و لذت‌محور، تصویری ناقص، تحریف‌شده و در مواردی موهن از خدای متعال ارائه می‌دهد که با اصول توحید، عدالت، علم و حکمت الهی در اسلام در تضاد است. کوئیلو در آثارش از خداوند گاه به‌مثابه موجودی نامطمئن، ناتوان و ناعادل یاد می‌کند و در جایی دیگر، با نسبت دادن ویژگی‌های مادینه یا نرینه به خدا، به نوعی در دام شرک و تثلیث گرفتار می‌شود. این دیدگاه‌ها نه تنها از نظر آموزه‌های اسلامی مردود

^۱. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۹۲.

است، بلکه نوعی تزلزل فکری و التقاط اعتقادی را نشان می‌دهد که متأثر از تجربیات شخصی پرتنش و ارتباطات ایدئولوژیک او با جریانات غربی، صهیونیستی و جریان‌های عرفان سرخ‌پوستی و کاتولیکی است. تردید، انکار یا تصویرسازی انسانی و احساسی از خداوند، آن‌گونه که در آثار کوئیلو دیده می‌شود، با توحید قرآنی که خداوند را بی‌نیاز، خالق مطلق، عالم، عادل و حکیم می‌داند، ناسازگار است. همچنین مفاهیم به‌ظاهر دینی مانند نیایش یا شادی، در آثار او فاقد بستر شریعت، معرفت، و اخلاق دینی است و به‌جای آن، رنگ و بوی لذت‌گرایی مادی، انحراف جنسی و آزادی افسارگسیخته دارد.

بررسی آموزه‌های عرفان حلقه نشان می‌دهد که این جریان، با وجود ادعای عرفان‌مداری و درمانگری، در مبانی معرفت‌شناسی، خداشناسی و انسان‌شناسی خود، به شکلی جدی از آموزه‌های توحیدی اسلام فاصله گرفته است. در عرفان حلقه، خدای متعال نه تنها ناشناختنی و بی‌عشق معرفی می‌شود، بلکه به عنوان موجودی نیازمند، مقهور، و در جست‌وجوی انسان ترسیم می‌گردد؛ تصویری که در تعارض آشکار با آموزه‌های قرآن کریم و معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام قرار دارد که خداوند را خالق مطلق، بی‌نیاز، و محبوب حقیقی می‌دانند. ادعای طاهری مبنی بر اینکه انسان نمی‌تواند عاشق خدا شود و خدا نیز از طریق تجلیاتش درک‌پذیر است، با مفاهیم بنیادین محبت، معرفت، و توحید در اسلام ناسازگار است. وی با تفسیر نادرست از واژگانی چون «یدالله» و «عدم»، مفاهیمی انحرافی و گاه شاعرانه را به‌جای آموزه‌های اصیل دینی می‌نشاند و جایگاه توسل، وسایط فیض، و شریعت را نیز انکار می‌نماید.

فهرست منابع

* قرآن کریم: ترجمه حسین انصاریان، تهران: نشر تلاوت، ۱۳۹۳.

کتاب

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۲. اوشو، آفتاب در سایه، ترجمه عبدالعلی براتی، تهران: نسیم دانش، ۱۳۸۲.
۳. اوشو، الماس های اوشو، ترجمه محسن خاتمی، تهران: امیرقلم، ۱۳۸۲.
۴. اوشو، مراقبه، هنر، شور و مستی، ترجمه مجید پزشکی، اصفهان: هودین، ۱۳۸۵.
۵. جمعی از استادان حوزه و دانشگاه، حلقه اسارت، قم: تسنیم اندیشه، ۱۳۹۴.
۶. جوادی آملی، عبدالله، عمل عرفانی در پرتو علم و حیانی، قم: اسراء، ۱۳۹۶.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۸. زبیدی، محمدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار صادر، بیتا.
۹. سعیدی، گل بابا، فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی ابن عربی، بیجا: دایره سفید، ۱۳۸۷.
۱۰. شریفی دوست، حمزه، عرفان های کاذب؛ راه های نفوذ و راهکارهای مقابله، قم: معارف، ۱۳۹۲.
۱۱. شریفی، احمدحسین، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب، قم: پرتو ولایت، ۱۳۹۱.
۱۲. طاهری، محمدعلی، انسان و معرفت، ارمنستان: گریگور تاتواتسی، ۲۰۱۱.
۱۳. طاهری، محمدعلی، چندمقاله، ارمنستان: گریگور تاتواتسی، ۲۰۱۱.
۱۴. طاهری، محمدعلی، عرفان کیهانی، بیجا: اندیشه ماندگار، ۱۳۸۸.
۱۵. طاهری، محمدعلی، عرفان کیهانی، بیجا: اندیشه ماندگار، ۱۳۸۸.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، بیتا.
۱۷. فعالی، محمدتقی، آفتاب و سایه ها؛ نگرشی بر جریان های نوظهور معنویت گرا، تهران: عابد، ۱۳۸۹.
۱۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه، بیتا.
۱۹. قهرمان، اصغر، انسان شناسی پائولو کوئیلو و نقد و بررسی آن از دیدگاه اسلام، قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۵.

۲۰. کوئیلو، پائولو، بریدا، ترجمه آرش حجازی، بیجا: کاروان، ۱۳۸۱.
۲۱. کوئیلو، پائولو، مکتوب، ترجمه بهرام جعفری، تهران: محراب دانش، ۱۳۸۷.
۲۲. کوئیلو، پائولو، ورونیکا تصمیم می گیرد، ترجمه مرضیه قدیری، تهران: آذرمدخت، ۱۳۹۷.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.
۲۴. محمدی نیا، اسدالله، شیطان گرایی و فرقه های نوظهور، قم: سبط اکبر، ۱۳۹۷.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، در کوچه های آفتاب؛ جستاری در عرفان اسلامی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۲۶. مظاهری سیف، حمیدرضا، پرسش از حلقه عرفان، قم: عصر آگاهی، ۱۳۹۰.

پایان نامه

۲۷. عباسی سیجانی، مریم، «آسیب شناسی عرفان های نوظهور و راهکارهای مقابله با آن با تکیه بر اندیشه های آیت الله جوادی آملی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۸.

مقاله

۲۸. پسند، مریم، «بررسی راهکارهای مقابله با گرایش به عرفان های نوظهور و گسترش آنها در ایران»، فصلنامه پژوهش های حفاظتی امنیتی دانشگاه امام حسین علیه السلام، دوره ۴، شماره ۱۴، ۱۳۹۴.
۲۹. حیدری فرد، محمد، «بررسی انتقادی عناصر مشترک عرفان های نوظهور»، بلاغ مبین، شماره ۳۶ و ۳۷، ۱۳۹۲.
۳۰. ریاحی، محمداسماعیل، «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش به عرفان های نوظهور در بین جوانان»، مطالعات معنوی، شماره ۷، ۱۳۹۲.
۳۱. کیانی، محمدحسین، «مولفه های معنویت نوپدید در ایران»، کتاب نقد، سال یازدهم، شماره ۵۱ و ۵۰، ۱۳۸۸.